

# آسیب‌پذیری‌های بادوام و دلزدگی زناشویی در بین زوجین متقاضی طلاق: نقش میانجی رویدادهای استرس‌زا<sup>۱</sup>

محمد نریمانی

استاد گروه روان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی

اصغر پوراسمعلی

دانشجوی دکتری روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی<sup>۲</sup>

نادر حاجلو

دانشیار گروه روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی

نیلوفر مکائیلی

دانشیار گروه روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی

دریافت: ۹۳/۸/۳ پذیرش: ۹۴/۱۲/۹

## چکیده

**هدف:** پژوهش حاضر با هدف ارزیابی اثرات مستقیم و غیرمستقیم آسیب‌پذیری‌های بادوام از طریق رویدادهای استرس‌زا بر دلزدگی زناشویی زوجین متقاضی طلاق انجام شد.

**روش:** نمونه پژوهشی شامل ۲۰۰ نفر از افرادی بود که با روش نمونه‌گیری سرشماری از بین متقاضیان طلاق شهرستان اردبیل انتخاب شدند و پرسشنامه‌های دلزدگی زناشویی پاینز (CBM)، خرده‌مقیاس روان‌رنجورخویی از پرسشنامه شخصیتی نئو، مقیاس خانواده اصلی (FOS)، پرسشنامه باورهای ارتباطی (RBT) و پرسشنامه تغییرات اخیر زندگی (RLCQ) را تکمیل کردند.

**یافته‌ها:** تحلیل داده‌ها از طریق مدل‌یابی معادلات ساختاری (SEM) انجام شد. برآزش مدل پیشنهادی بعد از اصلاح مورد تأیید قرار گرفت و نتایج مدل معادلات ساختاری نشان داد که مسیرهای مستقیم روان‌رنجورخویی و باورهای ارتباطی به دلزدگی زناشویی معنی‌دار بودند. به‌منظور بررسی اثرات غیرمستقیم از روش بوت استرپ استفاده شد و نتایج نشان داد

<sup>۱</sup> <sup>۲</sup> [asgharpouresmali@uma.ac.ir](mailto:asgharpouresmali@uma.ac.ir) & [asgharpouresmali@yahoo.com](mailto:asgharpouresmali@yahoo.com)

آسیب‌پذیری‌های بادوام و دلزدگی زناشویی در بین..... فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده

رویدادهای استرس‌زا در ارتباط بین روان‌رنجورخویی و دلزدگی زناشویی به صورت جزئی و در ارتباط بین خانواده اصلی با دلزدگی زناشویی به صورت کلی میانجی‌گری می‌کند.

**نتیجه‌گیری:** یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که آسیب‌پذیری‌های بادوام زوجین به تنهایی یا به همراه رویدادهای استرس‌زا می‌تواند در دلزدگی زناشویی زوجین در طول زندگی نقش داشته باشد و همچنین این یافته می‌تواند در فرایند مشاوره پیش از ازدواج و درمان زناشویی به متخصصان مربوطه یاری رساند.

**کلیدواژه‌ها:** آسیب‌پذیری‌های بادوام، روان‌رنجورخویی، خانواده اصلی، باورهای ارتباطی، رویدادهای استرس‌زا، دلزدگی زناشویی، زوجین متقاضی طلاق.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

زندگی مشترک از عوامل متعددی متأثر می‌شود که پاره‌ای از آن‌ها ممکن است زوج‌ها را به طرف اختلاف و درگیری، جدایی روانی و دلزدگی (خستگی یا فرسودگی)<sup>۱</sup> و حتی طلاق سوق دهد. از نظر پاینز<sup>۲</sup> (۱۹۹۶)، ترجمه‌ی فاطمه شاداب، (۱۳۸۱) دلزدگی از پا افتادن جسمی، عاطفی و روانی است که از عدم تناسب بین توقعات و واقعیت ناشی می‌شود. شروع دلزدگی به ندرت ناگهانی است و معمولاً تدریجی بوده و به‌سختی از یک پدیده ناگوار یا حتی چند ضربه ناراحت‌کننده ناشی می‌شود. در واقع انباشته شدن سرخوردگی‌ها و تنش‌های زندگی روزمره، سبب فرسایش می‌شود و سرانجام به دلزدگی منجر می‌گردد (نعیم، ۱۳۸۷). به‌منظور فهمیدن و پاسخ دادن به چگونگی و چرایی بهبود و افول و تغییرات زندگی مشترک در طول زمان و شروع دلزدگی، ملاحظه و در نظر گرفتن مدل‌های نظری و چارچوب پژوهشی از اهمیت بسیاری برخوردار است (زیکر<sup>۳</sup>، ۲۰۱۳).

آسیب‌پذیری‌های بادوام (دیرپا یا دوران اولیه زندگی)<sup>۴</sup> یکی از سه سازه اصلی مدل آسیب‌پذیری-استرس-انطباق (VSA)<sup>۵</sup> کارنی و برادبری<sup>۶</sup> (۱۹۹۵) - یکی از مهم‌ترین و پراستنادترین مدل‌های پیش‌بینی‌کننده تغییرات در طول زندگی - است که می‌تواند به عنوان یک سازه مهم در فهم چگونگی و چرایی دلزدگی زناشویی نقش داشته باشد؛ در این مدل مفهومی آسیب‌پذیری شامل ویژگی‌های پایدار هر یک از زوج‌ها چون: شخصیت، باورها و نگرش‌ها در مورد ازدواج، تجارب خانواده اصلی و زمینه‌های اجتماعی می‌باشد (کارنی و برادبری، ۱۹۹۵). همچنین استیت، آمانور-بوآدو، میلر، منحصن، مورگان و فیو-دمو<sup>۷</sup> (۲۰۱۱) در پژوهش خود سازه آسیب‌پذیری‌های بادوام را از مدل مفهومی VSA اقتباس کرده و به سه گروه کلی ویژگی‌های فردی<sup>۸</sup>، تجارب قبلی<sup>۹</sup> و باورها<sup>۱۰</sup> تقسیم کرده‌اند که ویژگی‌های فردی شامل: ویژگی‌های شخصیتی، مشکلات ارتباطی، مشکلات حل مساله و سلامت ذهنی؛

1. Burnout

2. Pines

3. Zwicker

4. Enduring vulnerabilities

5. The Vulnerability-Stress-Adaptation model

6. Karney & Bradbury

7. Stith, Amanor-Boadu, Miller, Menhusen, Morgan & Few-Demo

8. individual characteristics

9. Background experiences

10. Beliefs

تجارب قبلی شامل مواردی چون روابط گذشته افراد و تجارب مربوط به خانواده اصلی و در نهایت باورها شامل مواردی چون باور به خشونت و باور افراد نسبت به نقش جنسیتی می باشد. در پژوهش حاضر نیز با در نظر گرفتن تعاریف مفهوم آسیب‌پذیری در مدل VSA و تقسیم بندی آن در مطالعه استیت و همکاران (۲۰۱۱) و همچنین با در نظر پژوهش پیشینه پژوهشی داخلی تنها متغیرهایی به عنوان آسیب‌پذیری در تدوین مدل به کار برده شده‌اند که همبستگی بالایی با دلزدگی زناشویی و وضعیت زناشویی داشته باشند. آسیب‌پذیری بادوام قوت و ضعف هر زوج در روابط بین فردی را مشخص می کند و شواهد طولی و مقطعی بسیار زیادی وجود دارد که نشان می دهد پیامدهای زناشویی به وسیله‌ی آسیب‌پذیری‌های بادوام<sup>۱</sup> پیش‌زمینه و صفاتی که هر یک از زوجین با خود به ازدواج می آورند<sup>۲</sup> پیش‌بینی می شود (کارنی و برادبری، ۱۹۹۵).

شخصیت به عنوان الگوی نسبتاً پایدار و ثابت اندیشه، هیجان و رفتار یک فرد، یکی از اساسی ترین ویژگی افراد جهت تعیین آسیب‌پذیری بادوام است که افراد با خود به ازدواج می آورند (رابینز، کاسپی و موفیت، ۲۰۰۰). مرور ادبیات شخصیت و مسائل زناشویی، حاکی از ارتباط بین روان‌رنجورخویی با پیامدهای منفی زناشویی است (کارنی و برادبری، ۱۹۹۷؛ رابینز و همکاران، ۲۰۰۰؛ لای و بن - آری، ۲، ۲۰۰۴؛ لارسن، بلیک، جکسون و هولمن، ۳، ۲۰۱۰؛ زارعی محمد آبادی، ۱۳۹۱)؛ که به عنوان قدرتمندترین خصیصه شخصیتی پیش‌بین وضعیت زناشویی معرفی شده است (باس، ۴، ۱۹۹۱؛ کارنی و برادبری، ۱۹۹۵؛ کیست و گیلبرت، ۵، ۱۹۹۶؛ کوردک، ۶، ۱۹۹۷). به طور کلی، عناصر روان‌رنجورخویی از حیث آسیب-آسیب‌شناسی عبارتند از: ناتوانی در کنترل میل و تکانه، مقابله‌ی ناکارآمد با استرس، گرایش به شکوه و شکایت دائمی، ارزیابی موقعیت‌ها به عنوان استرس‌زا و تجربه‌ی هیجانات منفی (اورمل و همکاران، ۲۰۱۳). افراد با نمره بالا در روان‌رنجورخویی در برخورد با تعارض‌های بین فردی، کمتر قادر به استفاده از دو راهبرد سازش و همکاری هستند و بیشتر دست به رفتارهای اجتنابی و واکنش‌های هیجانی شدید می‌زنند. لذا تعارض در روابط بین فردی را تشدید و رفع

1. Robins, Caspi, & Moffitt

2. Lavee, & Ben-Ari

3. Larsen, Blick, Jackson, & Holman

4. Buss

5. Geist & Gilbert

6. Kurdek

آن را با مشکل مواجه می‌کنند (پارک و آنتونیونی، ۱، ۲۰۰۷). در پژوهش‌های دیگری بین روان‌رنجورخویی با کیفیت زناشویی (کوردک، ۱۹۹۷، کارنی و برادبری، ۱۹۹۷)، روابط جنسی (اسپرچر و کت، ۲، ۲۰۰۴)، سازگاری زناشویی (لاوی و بن-آری، ۲۰۰۴)، رضایت جنسی (بایرز، ۳، ۲۰۰۵) و رضایت زناشویی (لارسن و همکاران، ۲۰۱۰؛ لیندستروم، ۴، ۲۰۱۳) رابطه منفی یافت شد. همچنین در پژوهش نادری، افتخار و آملازاده (۱۳۸۸) از بین پنج عامل شخصیتی، عامل روان‌رنجورخویی بیشترین همبستگی معنی‌دار را با دلزدگی زناشویی در همسران معتادان مرد اهواز داشت.

دومین متغیر مشخص‌کننده آسیب‌پذیری بادوام افراد و متغیر پیش‌بین دلزدگی زناشویی در پژوهش حاضر خانواده اصلی می‌باشد. رویکردهای چند نسلی درباره رشد فردی و خانوادگی فرض می‌کنند که پویایی داخل خانواده اصلی میراثی را برای فرد فراهم می‌سازد که هم مسیر فردی و هم رشد خانوادگی او را تعیین می‌کند (ویتون، والدینجر، شولز، الن، کرول و هوسر،<sup>۵</sup> هوسر،<sup>۵</sup> ۲۰۰۸). یکی از این عوامل که متخصصان و صاحب‌نظران راجع به آن نظریه‌پردازی کرده و پژوهش‌های متعددی انجام داده‌اند، تأثیر خانواده اصلی و اولیه‌ای است که هر یک از زوجین در آن رشد کرده‌اند. در زمینه نحوه تأثیر خانواده اصلی بر خانواده فعلی نظریه‌های متعددی مطرح شده و پژوهش‌های زیادی انجام گرفته است. از جمله این نظریه‌ها که رابطه بین ویژگی‌های خانواده اصلی زوجین را بر زندگی زناشویی آنان تبیین می‌کند می‌توان به نظریه ارتباط شی<sup>۶</sup> (اشپیتز،<sup>۷</sup> ۱۹۶۵)، نظریه دلبستگی<sup>۸</sup> (بالبی،<sup>۹</sup> ۱۹۶۹) نظریه سیستمی بوئن<sup>۱۰</sup> (۱۹۷۸) و (۱۹۷۸) و نظریه‌های یادگیری اجتماعی بندورا<sup>۱۱</sup> (۱۹۷۳) اشاره کرد (به نقل از فرح‌بخش، ۱۳۹۰). بنابراین با توجه به آنچه گفته شد عملکرد خانواده اصلی نیز می‌تواند یک متغیر مستقل در دلزدگی زناشویی باشد.

1. Park, & Antonioni

2. Sprecher, & Cate

3. Byers

4. Lindstrom

5. Whitton, Waldinger, Schulz, Allen, Crowell, & Hauser

6. Object relationship

7. Spitz

8. Attachment theory

9. Bowlby

10. Bowen Family System

11. Bandura social learning theory

متغیر دیگری که مشخص‌کننده آسیب‌پذیری بادوام افراد در پژوهش حاضر می‌باشد باورهای ارتباطی زوجین می‌باشد. ارتباط، سرتاسر زندگی انسان را در بر گرفته است. در این بین، ارتباط زناشویی و باورهای منطقی و غیرمنطقی در این مورد به‌عنوان طولانی‌ترین و عمیق‌ترین نوع ارتباط است که می‌تواند دست‌مایه‌ی شادی یا منبع بزرگ رنج و تألم باشد. دیدگاه‌های شناختی، رضایت یا نارضایتی زوج‌ها را به شیوه تفکر متفاوت آن‌ها نسبت به اعمال و رفتار همسرانشان نسبت می‌دهند (فینای<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹). ایدلسون و اپستین<sup>۲</sup> (۱۹۸۲)؛ به نقل از همبرت<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹) معتقد است که باورهای ارتباطی غیرمنطقی و رضایت از روابط به‌طور معکوس باهم رابطه معنی‌داری دارند و در پژوهش خود نشان دادند که رضایت زناشویی پایین با باورهای ارتباطی غیرمنطقی در ارتباط می‌باشد. در مطالعات دیگر نیز یافته‌های مشابهی گزارش شده است (همامسی<sup>۴</sup>، ۲۰۰۵؛ ساین ایجسی و جنکاز<sup>۵</sup>، ۲۰۰۶؛ ریکیو و ویزر<sup>۶</sup>، ۲۰۰۸). گزارش شده است، می‌توان به رابطه باورهای ارتباطی غیرمنطقی با سازگاری زناشویی (مومن زاده، ۱۳۸۱؛ نظری، طاهری راد، اسدی، ۱۳۹۲)، احساسات مثبت به همسر (حیدری، مظاهری و پوراعتماد، ۱۳۸۴)، رضایت زناشویی (عارفی و محسن زاده، ۱۳۹۱؛ اسماعیل‌پور، خواجه و مهدوی، ۱۳۹۲) و صمیمیت زناشویی (فرمانی شهرضا، رسولی و قائندیای جهرمی، ۱۳۹۱) اشاره کرد.

علاوه بر متغیرهای مربوط به آسیب‌پذیری‌های بادوام دومین سازه‌ای که با حمایت قوی پژوهشی به‌عنوان متغیر پیش‌بین کیفیت زناشویی و ناپایداری زناشویی می‌باشد، رویدادهای استرس‌زای زندگی است که حوادث و تحولات غیرقابل‌انتظار، فشار اقتصادی، مسائل مربوط به سلامت، چالش‌های استخدامی و... را در برمی‌گیرد (کارنی و برادبری، ۱۹۹۵). رویدادهای استرس‌زا علاوه بر اینکه در مدل آسیب‌پذیری- استرس و انطباق (۱۹۹۵) کارنی و برادبری به‌عنوان سازه اصلی می‌باشد، در مدل‌های مشابه دیگری مانند مدل استرس خانواده<sup>۷</sup> (کونجر،

1. Feeney

2. Eidelson, & Epstein

3. Hembrecht

4. Hamamci

5. Sine Egeci, & Gençöz

6. Riggio & Weiser

7. Family stress model

روتر و الدر<sup>۱</sup>، (۱۹۹۹) مورد توجه بوده است. مطالعه ادبیات پژوهشی نشان‌دهنده تأثیر رویدادهای استرس‌زا بر پیامدهای زناشویی هم در بررسی‌های مقطعی (کوهن<sup>۲</sup> و برادبری؛ ۱۹۹۷ و بودمن<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰) و هم طولی (کارنی، استوری<sup>۴</sup> و برادبری، ۲۰۰۵؛ بارتون، ۲۰۱۳) می‌باشد. رنگین و آیتک<sup>۵</sup> (۲۰۰۹) مدل استرس خانواده (کونجر، روتر و الدر، ۱۹۹۹) را بر روی ۷۱۱ نفر از زنان و ۴۹۰ نفر از مردان متاهل ترکیه و ون، ریتز، لی، کوه و اوک<sup>۶</sup> (۲۰۰۳) همین مدل را بر روی ۲۳۶ زوج کره‌ای مورد بررسی قرار دادند، از آنجایی که در مدل استرس خانواده ارتباط غیرمستقیم با میانجیگری پریشانی عاطفی بر فشارهای مالی با پیامدهای زناشویی مطرح می‌باشد، نتایج دو پژوهش مذکور نشان داد که بین فشار مالی با پیامدهای زناشویی از جمله کیفیت زناشویی و نارضایتی زناشویی رابطه مستقیمی وجود دارد. علاوه بر ارتباط مستقیم، رابطه بین فشارهای مالی به‌عنوان رویدادهای استرس‌زای خارجی و عدم رضایت زناشویی به صورت غیرمستقیم از طریق عوامل شناختی، هیجانی و رفتاری میانجیگری می‌شود (فالكونیر<sup>۵</sup> و اپستین، ۲۰۱۱). یکی از این عوامل الگوهای ارتباطی منفی می‌باشد (ویلمارث<sup>۶</sup>، ویلمارث<sup>۶</sup>، ۲۰۱۲) و در پژوهش فالكونیر و اپستین (۲۰۱۱) سبک حل تعارض توقع/کناره‌گیری به‌عنوان میانجی بین فشارهای مالی و پیامدهای زناشویی مورد توجه بوده است. محمدی و مقصودی (۱۳۹۰) به بررسی رابطه استرس شغلی با رضایت زناشویی در کارکنان زن پرداخته و نشان دادند که بین استرس شغلی و رضایت زناشویی همبستگی منفی معنی‌داری وجود دارد. از جهتی نیز رویدادهای استرس‌زا می‌تواند تحت تأثیر آسیب‌پذیری‌های بادوام افراد مانند شخصیت، ویژگی‌های خانواده اصلی و باورهای ارتباطی باشد (کارنی و برادبری، ۱۹۹۵) تحقیقات در حوزه روانشناسی رشد و شخصیت به این نتیجه رسیده‌اند که تجارب اولیه افراد تأثیرات بلندمدتی در سرتاسر زندگی خواهد داشت. به‌عنوان مثال تأثیرات محیط اولیه کودکی بر رشد بزرگسالی و قضاوت به‌خوبی ثابت شده است (آماتو و کیث<sup>۷</sup>، ۱۹۹۱؛ راجرز<sup>۸</sup>، ۱۹۹۰؛ وایلنت<sup>۱</sup> و وایلنت، ۱۹۹۰، به نقل از کارنی و برادبری، ۱۹۹۵). همگام با این

1. Conger, Rueter, & Elder

2. Cohan

3. Bodenmann

4. Store

5. Falconier

6. Wilmarth

7. Amato, & Keith

8. Rodgers

نتایج، مطالعات نشان داده‌اند که ویژگی‌های شخصیتی با فراوانی حوادث ناسازگار زندگی (پولتون و اندروز<sup>۲</sup>، ۱۹۹۲) و تجربه کردن حوادث زندگی و برداشت از آن‌ها به صورت استرس‌زاتر ارتباط داشته است (مارکو و سولس<sup>۳</sup>، ۱۹۹۳). تحقیقات بر روی افسردگی به‌عنوان بخشی از روان رنجورخویی نشان داده است که افراد افسرده مزمن شرایط استرس‌زای بیشتری را در زندگی ایجاد می‌کنند (هامن<sup>۴</sup>، ۱۹۹۱). این یافته‌ها پیشنهاد می‌کنند که آسیب‌پذیری‌های بادوامی که زوجین با خود به ازدواج می‌آورند به حوادث و شرایط استرس‌زای زندگی که زوجین با آن روبرو می‌شوند، کمک می‌کند. بنابراین این دو عامل جهت مشخص کردن تأثیرشان بر رشد ازدواج و دلزدگی زوجین بایستی مشترکاً مورد مطالعه قرار گیرند.

برای بیشتر افراد ازدواج به‌عنوان منبعی از خشنودی و رضایت است و بسیاری از همسران زندگی مشترک خود را با عشق آغاز می‌کنند و بر این باورند که تنها مرگ می‌تواند آن‌ها را از یکدیگر جدا کند و به این موضوع نمی‌اندیشند که روزی ممکن است شعله عشق آنان به خاموشی گراید، باین وجود در طول زمان ازدواج ممکن است به منبعی از ناکامی برای فرد تبدیل شود. بررسی آمارهای ارائه‌شده نشان‌دهنده افزایش سالانه تعداد طلاق در کشور می‌باشد به طوری که از سال ۸۵ تا ۹۳ رقم نسبت ازدواج به طلاق در کشور از ۸/۲۸ به ۵/۸۷ رسیده است (سازمان ثبت‌احوال کشور، ۱۳۹۴). علاوه بر این آمار رسمی، طلاق به‌طور کامل نشان‌دهنده میزان ناکامی همسران در زندگی زناشویی نیست، زیرا در کنار آن آماری بزرگ‌تر اما کشف نشده به طلاق‌های عاطفی اختصاص دارد. شاید دو برابر آمار طلاق‌های قانونی را بتوانیم به طلاق‌های عاطفی اختصاص دهیم، یعنی به زندگی‌های خاموش و خانواده‌های توخالی که زن و مرد در کنار هم به سردی و دلزدگی زندگی می‌کنند ولی هیچ‌گاه تقاضای طلاق قانونی نمی‌کنند (بخارایی، ۱۳۸۶). چگونه تلاش‌های اولیه برای رسیدن به زندگی مشترک که با خوش‌بینی اولیه همراه است به سرخوردگی می‌انجامد؟ چگونه این فرایند اتفاق می‌افتد؟ چرا پیمان ازدواج شکسته می‌شود؟ و درنهایت چرا زوجین از همدیگر دلزده می‌شوند و طلاق و جدایی صورت می‌گیرد؟ در راستای بررسی علل چنین فرایندی و با در نظر گرفتن فراوانی مشکلات زناشویی، در مورد ضرورت مطالعه و پژوهش شاید این جمله کافی باشد که نیاز به

1. Vaillant

2. Poulton, & Andrews

3. Marco, & Suls

4. Hammen



علت‌یابی و شناسایی عوامل مؤثر در فرایند دلزدگی زناشویی غیرقابل‌انکار می‌باشد، چراکه بیش از ۹۸ درصد افراد در طول زندگی خود حداقل یک‌بار ازدواج می‌کنند (مهاجرانی، ۱۳۸۹). در پژوهش‌های انجام گرفته قبلی و مدل‌های ارائه شده در تحقیقات انگشت‌شماری عوامل آسیب‌پذیری‌های اولیه و ناشی از دوران اولیه زندگی و رویدادهای استرس‌زای در طول زندگی زناشویی به صورت یکجا و در ارتباط با یکدیگر بر مسایل زناشویی و بخصوص دلزدگی زناشویی مد نظر قرار گرفته است. بنابراین با توجه به خلا تحقیقاتی موجود و پاسخگویی به فرایند دلزدگی زناشویی بخصوص شکل‌گیری چنین فرایندی در زوجین متقاضی طلاق، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که آیا آسیب‌پذیری‌های بادوام (روان رنجورخویی، خانواده اصلی و باورهای ارتباطی) به‌طور مستقیم بر دلزدگی زناشویی تأثیر می‌گذارند و آیا آسیب‌پذیری‌های بادوام به‌طور غیرمستقیم و از طریق تأثیر بر رویدادهای استرس‌زا بر دلزدگی زناشویی تأثیر دارد؟

## روش

پژوهش حاضر با توجه به هدف کاربردی و شیوه اجرا همبستگی است.

**جامعه آماری و روش نمونه‌گیری:** جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش تمامی افرادی است که در فاصله ۶ ماهه (اول دی‌ماه ۹۳ تا آخر خرداد ۹۴) به مراجع قضایی (اعم از دادگاه‌ها و شورای حل اختلاف) دادگستری شهرستان اردبیل برای موضوع طلاق مراجعه کردند. نمونه‌گیری به‌صورت سرشماری از بین افرادی صورت گرفت که حداقل تحصیلات آن‌ها تا کلاس اول دبیرستان بوده (به‌منظور توانایی خواندن و درک پرسشنامه‌های خود گزارش دهی) و یک سال از دوره عقد یا ازدواج آن‌ها گذشته باشد (با توجه به اینکه پرسشنامه رویدادهای استرس‌زا برای یک سال بعد از زندگی زناشویی می‌تواند کارایی داشته باشد)، بنابراین بعد از اعلام حاضر به همکاری بودن افراد و دارا بودن شرایط ورود، با توضیحات اولیه، پرسشنامه در اختیار آزمودنی‌ها قرار گرفت. از آنجایی که روش‌شناسی مدل‌یابی معادلات ساختاری، تا حدود زیادی با برخی از جنبه‌های رگرسیون چندمتغیری شباهت دارد، می‌توان از اصول تعیین حجم نمونه در تحلیل رگرسیون چندمتغیری برای تعیین حجم نمونه در مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده کرده و به ازای هر متغیر اندازه‌گیری شده ۵ تا ۱۵ نمونه انتخاب کرد (هومن، ۱۳۸۴)، از این رو با توجه به اینکه در مدل ارائه شده ۱۵ متغیر

اندازه‌گیری وجود دارد، حجم نمونه بین ۹۵ تا ۲۸۵ نفر برآورد می‌شود.  $5q \leq n \leq 225$

$$15q \Rightarrow 5 \times 15 \leq n \leq 15 \times 15 \Rightarrow 75 \leq n \leq 225$$

با توجه به فرمول بالا و از آنجایی که به‌زعم بسیاری از پژوهشگران حداقل حجم نمونه لازم در مدل‌های ساختاری ۲۰۰ می‌باشد (هولتر، ۱۹۸۳؛ گارور و منترز، ۱۹۹۹؛ هو، ۲۰۰۸؛ کلاین، ۲۰۱۰؛ به نقل از حبیبی، ۱۳۹۱) در پژوهش حاضر نیز ۲۰۰ آزمودنی پرسشنامه‌های موردنظر را تکمیل کردند.

### خرده مقیاس روان‌رنجورخویی از پرسشنامه شخصیتی NEO-FFI: پرسشنامه

شخصیتی NEO-FFI فرم کوتاه پرسشنامه NEO است که در سال ۱۹۸۵ توسط مک‌کری و کاستا<sup>۱</sup> تهیه شده است که دارای ۶۰ سؤال می‌باشد و پنج عامل شخصیتی روان‌رنجورخویی، انعطاف‌پذیری، برون‌گرایی، سازگاری و وجدانی بودن را می‌سنجد. ضرایب پایایی با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای بعد روان‌رنجورخویی در پژوهش شارون<sup>۲</sup> (۲۰۰۲)، ۰/۸۶ و در پژوهش واین<sup>۳</sup> (۲۰۰۳)، ۰/۷۴ گزارش شد (به نقل از عبدالله زاده، ۱۳۸۶). در مطالعه گروسی (۱۳۸۰)، ضریب پایایی با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای بعد روان‌رنجورخویی ۰/۸۳ گزارش شده و در پژوهش شولی‌بندر، بشلیده، هاشمی و ارشدی (۱۳۹۰) آلفای کرونباخ و تصنیف برای تعیین پایایی این خرده مقیاس به ترتیب ۰/۸۲ و ۰/۸۵ محاسبه گردید.

### مقیاس خانواده اصلی<sup>۴</sup> (FOS): این پرسشنامه توسط هاوشتات، اندرسون، پیرسی،

کوچران و فاین<sup>۵</sup> در سال ۱۹۸۵ تهیه شد که یک ابزار ۴۰ سؤالی است و برای سنجیدن ادراک و استنباط فرد از میزان سلامت خانواده اصلی‌اش تدوین شده است. مقیاس خانواده اصلی بر استقلال و صمیمیت به‌عنوان دو مفهوم کلیدی در حیات یک خانواده سالم تمرکز دارد، و هر یک از ۴۰ پرسش آن بر اساس یک مقیاس پنج‌درجه‌ای (از یک تا پنج) درجه‌بندی شده است. حداقل نمره «۴۰» و حداکثر «۲۰۰» است که نمرات بالاتر نشانه سلامت بیشتر خانواده اصلی است. پایایی پرسشنامه توسط سازندگان آن بر اساس آلفای کرونباخ ۰/۷۵ گزارش شده است و پایایی آن از طریق باز آزمایی دو هفته‌ای در بعد استقلال و صمیمیت به ترتیب ۰/۷۷ و ۰/۷۳ برآورد شد (ثنائی، علاقبند، فلاحتی، هومن، ۱۳۸۷). در ایران، ضرایب

1. McCrae, & Costa

2. Sharon

3. Vine

4. Family of origin Scale

5. Hovestadt, Anderson, Piercy, Cochran, & Fine

آلفای به‌دست‌آمده در پژوهش جاسبی (۱۳۸۴) برای کل مقیاس ۰/۹۴ و برای ابعاد استقلال و صمیمیت به ترتیب ۰/۹۰ و ۰/۸۹ بوده است، همچنین روایی این مقیاس مورد تأیید چند تن از استادان مشاوره کشور قرار گرفته است (جاسبی، ۱۳۸۴).

**پرسشنامه باورهای ارتباطی<sup>۱</sup> (RBT):** این پرسشنامه به‌منظور اندازه‌گیری باورهای غیرمنطقی در زندگی زناشویی توسط ایدلسن و اپستین<sup>۲</sup> (۱۹۸۲) ساخته‌شده و توسط مظاهری و پور اعتماد (۱۳۸۰) با روش ترجمه و ترجمه مجدد به فارسی برگردانده، مورد استفاده قرار گرفت. دارای ۴۰ سؤال است که در طیف لیکرت به‌صورت ۶ گزینه‌ای از ۰ (کاملاً غلط) تا ۵ (کاملاً درست) پاسخ داده می‌شود. پنج خرده‌آزمون این سیاهه عبارت‌اند از: باور به تخریب‌کنندگی مخالفت، توقع ذهن‌خوانی، کمال‌گرایی جنسی، باور به تفاوت‌های جنسیتی و باور به عدم‌تغییر همسر. همسانی درونی این پرسشنامه در پژوهش‌های متفاوت مورد بررسی قرار گرفته است. الیری<sup>۳</sup> (۱۹۸۷) همسانی درونی این پرسشنامه را ۰/۷۲ تا ۰/۸۱ گزارش کرده و نشان دادند که هر ۵ خرده‌مقیاس این پرسشنامه با مقیاس‌های سازگاری زناشویی رابطه معنی‌داری دارند. جیمز، هانسل و همسورس<sup>۴</sup> (۲۰۰۲) برای ۵ خرده‌مقیاس این پرسشنامه آلفای ۰/۵۸ تا ۰/۸۳ را گزارش کرده‌اند. و در ایران حیدری، مظاهری و پور اعتماد (۱۳۸۴) همسانی درونی را برای خرده‌مقیاس‌ها از ۰/۴۷ تا ۰/۷۰ به دست آوردند. لازم به ذکر است که در پژوهش حاضر از آنجایی که اکثر شرکت‌کنندگان در پژوهش حاضر به زیر مؤلفه کمال‌گرایی جنسی با توجه به شرایط دادگاه و مسائل فرهنگی پاسخ ندادند این زیر مؤلفه حذف گردید.

**پرسشنامه تغییرات اخیر زندگی (RLCQ):** این پرسشنامه که دارای ۷۴ سؤال است، توسط میلر و راهه (۱۹۹۷) تهیه گردیده و از طریق پژوهش‌های قبلی وزن‌دهی شده است که رویدادهای منفی و مثبت استرس‌زای زندگی در طول یک سال گذشته را در پنج بعد شغلی، سلامتی، خانه- خانواده، اقتصادی و فردی- اجتماعی می‌سنجد. روایی و پایایی این آزمون توسط میلر و راهه (۱۹۹۷) مورد تأیید قرار گرفته به‌طوری که پایایی آن با روش باز آزمایی بعد از یک ماه ۰/۸۳ و بعد از یک سال ۰/۸۵ به دست آمد. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ

1. Relationship Beliefs Inventory

2. Eidelson, & Epstein

3. O'leary

4. James, Huntly, & Hemsworth

آسیب‌پذیری های با دوام و دلزدگی زناشویی در بین..... فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده

جهت بررسی پایایی آزمون برای ۵ بعد به ترتیب ۰/۵۳، ۰/۶۰، ۰/۷۰، ۰/۵۱ و ۰/۸۳ به دست آمد.

**مقیاس دلزدگی زناشویی پاینز<sup>۱</sup> (CBM):** مقیاس دلزدگی زناشویی یک ابزار خود سنجی است که توسط پاینز (۱۹۹۶، ترجمه فاطمه شاداب، ۱۳۸۱) باهدف اندازه‌گیری درجه دلزدگی زناشویی در بین زوجین ساخته شد. این پرسشنامه شامل ۲۱ ماده است که از سه زیرمقیاس از پافتادن جسمی، روانی و عاطفی تشکیل شده است که در یک مقیاس ۷ درجه‌ای لیکرت در دامنه‌ای بین ۱ (هرگز) تا ۷ (همیشه) نمره‌گذاری می‌شود. نمره بالاتر در این مقیاس نشانه دلزدگی بیشتر می‌باشد. ضریب پایایی مقیاس با روش بازآزمایی در یک دوره یک‌ماهه برابر ۰/۷۶ و با استفاده از روش آلفای کرونباخ در دامنه‌ای بین ۰/۹۱ تا ۰/۹۳ محاسبه شده است (پاینز، ۱۹۹۶، ترجمه فاطمه شاداب، ۱۳۸۱). نعیم (۱۳۸۷) در پژوهش خود پایایی این مقیاس را با استفاده از روش آلفای کرونباخ و تنصیف به ترتیب ۰/۸۵ و ۰/۸۲ محاسبه نموده است. در پژوهش نادری، افتخار و آملازاده (۱۳۸۸) برای بررسی اعتبار این مقیاس از پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ استفاده شد که ضریب همبستگی بین این دو پرسشنامه ۰/۴۰- به دست آمد که در سطح  $p < 0/001$  معنی‌دار می‌باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

<sup>1</sup>. Couple Burnout Measure

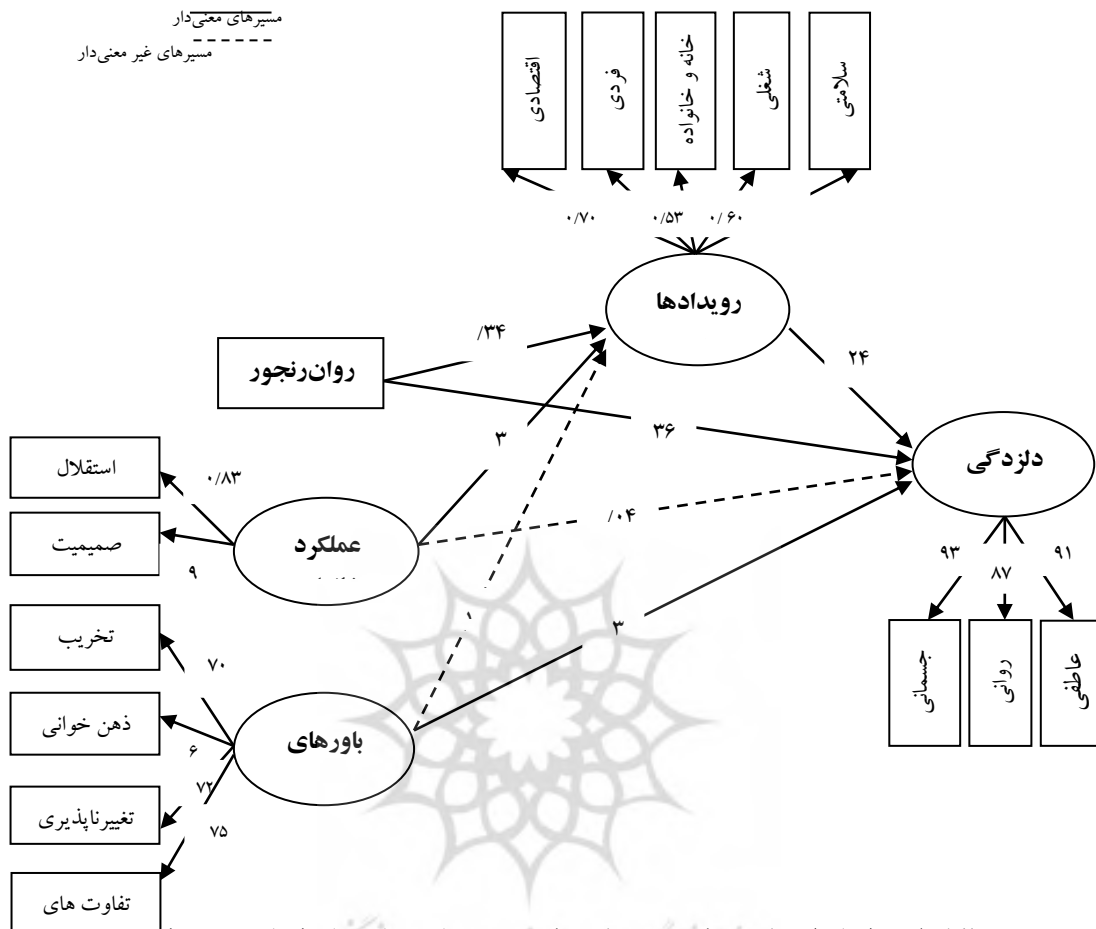
یافته ها

جدول ۱. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهشی آشکار و نهان (متغیرهای درونداد، میانجی و برونداد)

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	
۱. دلزدگی زناشویی کل	۱																			
۲. دلزدگی جسمانی	۰/۹۲**	۱																		
۳. دلزدگی روانی	۰/۸۶**	۰/۸۱**	۱																	
۴. دلزدگی عاطفی	۰/۹۱**	۰/۸۴**	۰/۷۹**	۱																
۵. روان رنجورجویی	۰/۴۳**	۰/۴۰**	۰/۳۷**	۰/۴۰**	۱															
۶. خانواده اصلی	۰/۰۴	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۰۳	-۰/۱۳	۱														
۷. استقلال	۰/۰۳	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۰۲	-۰/۱۱	۰/۸۳**	۱													
۸. صمیمیت	۰/۰۴	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۰۳	-۰/۱۳	۰/۹۴**	۰/۷۸**	۱												
۹. باورهای ارتباطی کل	۰/۳۵**	۰/۳۸**	۰/۳۰**	۰/۳۲**	۰/۳۴**	-۰/۰۸	-۰/۰۷	-۰/۰۸	۱											
۱۰. تحریف مخالفت	۰/۲۹**	۰/۲۷**	۰/۲۵**	۰/۲۷**	۰/۳۳**	-۰/۰۵	-۰/۱۰	-۰/۰۸	۰/۵۸**	۱										
۱۱. ذهن خوانی	۰/۱۶**	۰/۱۵**	۰/۱۴**	۰/۱۵**	۰/۲۱**	-۰/۰۲	-۰/۰۱	-۰/۰۸	۰/۲۶**	۰/۲۶**	۱									
۱۲. تفسیر ناپذیری همسر	۰/۱۹**	۰/۱۸**	۰/۱۷**	۰/۱۸**	۰/۱۸**	-۰/۰۹	-۰/۰۴	-۰/۰۸	۰/۵۵**	۰/۳۱**	۰/۲۵**	۱								
۱۳. تفاوت های جنسی	۰/۳۲**	۰/۳۰**	۰/۲۸**	۰/۳۰**	۰/۳۶**	-۰/۰۴	-۰/۰۵	-۰/۰۸	۰/۵۸**	۰/۳۳**	۰/۲۷**	۰/۱۵	۱							
۱۴. رویدادهای استرس زا	۰/۳۹**	۰/۳۶**	۰/۳۳**	۰/۳۵**	۰/۳۳**	۰/۳۴**	۰/۲۸**	۰/۳۳**	۰/۱۱	۰/۱۳	۰/۰۵	۰/۰۶	۰/۱۵**	۱						
۱۵. اقتصادی-مالی	۰/۲۰**	۰/۱۸**	۰/۱۷**	۰/۱۸**	۰/۱۷**	۰/۱۶**	۰/۲۸**	۰/۱۶**	۰/۱۵	۰/۱۷	۰/۰۲	۰/۰۳	۰/۱۵**	۰/۱۸*	۱					
۱۶. فردی-اجتماعی	۰/۳۲**	۰/۳۰**	۰/۲۸**	۰/۲۹**	۰/۲۸**	۰/۲۶**	۰/۲۷**	۰/۲۶**	۰/۰۹	۰/۱۱	۰/۰۴	۰/۰۵	۰/۱۵**	۰/۱۸*	۰/۴۲**	۱				
۱۷. خانه و خانواده	۰/۲۵**	۰/۲۳**	۰/۲۱**	۰/۲۳**	۰/۲۱**	۰/۲۱**	۰/۲۸**	۰/۱۸**	۰/۰۷	۰/۱۲	۰/۰۳	۰/۰۴	۰/۱۵**	۰/۱۸*	۰/۳۲**	۰/۵۳**	۱			
۱۸. شغلی	۰/۱۴**	۰/۱۲*	۰/۱۱*	۰/۱۲*	۰/۱۲*	۰/۱۲*	۰/۱۲*	۰/۱۱*	۰/۰۴	۰/۱۱*	-۰/۱۵**	۰/۰۲	۰/۰۵	۰/۱۸*	۰/۴۴**	۰/۲۹**	۰/۲۲**	۱		
۱۹. سلامتی	۰/۱۹**	۰/۱۸**	۰/۱۷**	۰/۱۸**	۰/۱۷**	۰/۱۷**	۰/۱۶**	۰/۱۶**	۰/۱۵	۰/۱۷	۰/۱۳*	۰/۰۳	۰/۰۵	۰/۱۸*	۰/۲۶**	۰/۳۲**	۰/۱۸**	۱		
میانگین	۷/۱۳۰	۱۸/۳۲	۲۶/۵۶	۲۶/۴۶	۲۹/۹۴	۱۴/۰۷۱	۶۹/۵۳	۷/۱۱۸	۸۱/۲۹	۱۹/۸۴	۲۲/۴۸	۱۹/۹۷	۱۹/۲۱	۱۹/۴۸	۵۸/۹۸	۹۳/۷۶	۲۱۹/۵۴	۹۲/۴۴	۶۰/۴۷	
انحراف معیار	۲۳/۹۲	۶/۸۴	۹/۵۰	۹/۲۳	۷/۱۸	۲۰/۳۶	۱۰/۵۳	۱/۰۲	۱۴/۲۲	۵/۲۰	۵/۱۱	۵/۸۵	۶/۹۸	۳۱۰/۲۳	۶۴/۳۲	۸۸/۲۶	۱۰۷/۱۷۳	۱۳۵/۰۸	۲۵/۰۲	

\*  $P < 0.05$       \*\*  $P < 0.01$





شکل ۱. مدل اصلاح‌شده نهایی پژوهش حاضر به همراه ضرایب استاندارد مسیرها

ضرایب استاندارد مسیرها در شکل ۱ حاکی از آن است که مسیر خانواده اصلی با دلزدگی زناشویی ( $-0/04$ ) و مسیر باورهای ارتباطی با رویدادهای استرس‌زا ( $0/13$ ) در سطح آماری  $P > 0/50$  قرار داشته و معنی‌دار نیستند.

همچنین نتایج نشان می‌دهد که مسیر روان‌رنجورخویی به دلزدگی زناشویی ( $0/36$ )، مسیر باورهای ارتباطی به دلزدگی زناشویی ( $0/33$ )، مسیر رویدادهای استرس‌زا به دلزدگی زناشویی ( $0/24$ )، مسیر روان‌رنجورخویی به رویدادهای استرس‌زا ( $0/34$ ) و مسیر خانواده اصلی به رویدادهای استرس‌زا ( $0/36$ ) در سطح آماری  $P < 0/01$  معنی‌دار است.

همچنین به منظور بررسی معنی داری روابط واسطه‌ای از آزمون بوت استراپ نرم افزار AMOS استفاده شده که نتایج آن در جدول ۳ آورده شده است.

### جدول ۳. نتایج آزمون بوت استراپ برای مسیرهای غیر مستقیم

متغیر پیش‌بین	متغیر میانجی	متغیر	تعداد نمونه گیری	حد پایین	حد بالا	فاصله
روان رنجورخویی	رویدادهای	دلزدگی	مجدد	۰/۰۲۹	۰/۲۲۲	۰/۹۵
	استرس‌زا	زناشویی	ملاک			
خانواده اصلی	رویدادهای	دلزدگی	۱۰۰۰	۰/۰۳۶	۰/۲۵۷	۰/۹۵
	استرس‌زا	زناشویی				
باورهای ارتباطی	رویدادهای	دلزدگی	۱۰۰۰	-۰/۰۱۷	۰/۱۳۱	۰/۹۵
	استرس‌زا	زناشویی				

نتایج مندرج در جدول ۳ نشان می‌دهد که برای مسیر روان رنجورخویی به دلزدگی زناشویی از طریق رویدادهای استرس‌زا حد پایین ۰/۰۲۹ و حد بالا ۰/۲۲۲ و برای مسیر خانواده اصلی به دلزدگی زناشویی از طریق رویدادهای استرس‌زا حد پایین ۰/۰۳۶ و حد بالا ۰/۲۵۷ است. در هر دو مسیر فواصل اطمینان در سطح ۰/۹۵ و تعداد نمونه‌گیری مجدد بوت استراپ ۱۰۰۰ است. با توجه به اینکه در هر دو مسیر، صفر بیرون از این فاصله اطمینان قرار می‌گیرد، این مسیرها معنی‌دار هستند. به این صورت که در مسیر اول به دلیل وجود رابطه مستقیم معنی‌دار بین روان رنجورخویی و دلزدگی زناشویی میانجی‌گری رویداد استرس‌زا جزئی<sup>۵۹</sup> و در مسیر دوم به دلیل عدم وجود رابطه مستقیم معنی‌دار بین خانواده اصلی و دلزدگی زناشویی میانجی‌گری رویدادهای استرس‌زا کلی<sup>۶۰</sup> است. *رساله جامع علوم انسانی*

اما برای مسیر باورهای ارتباطی به دلزدگی زناشویی از طریق رویدادهای استرس‌زا حد پایین -۰/۰۱۷ و حد بالا ۰/۱۳۱ است و از آنجایی که صفر بیرون از فاصله اطمینان ۰/۹۵ قرار ندارد بنابراین این مسیر معنی‌دار نیست، به عبارت دیگر نقش میانجی رویدادهای استرس‌زا در ارتباط بین باورهای ارتباطی با دلزدگی زناشویی مورد تأیید قرار نگرفت.

<sup>59</sup>. partially

<sup>60</sup>. fully



## نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر پاسخگویی به این سؤال است که آیا آسیب‌پذیری‌های بادوام (روان رنجورخویی، خانواده اصلی و باورهای ارتباطی) به‌طور مستقیم بر دلزدگی زناشویی تأثیر می‌گذارد و آیا آسیب‌پذیری‌های بادوام به‌طور غیرمستقیم و از طریق تأثیر بر رویدادهای استرس‌زا بر دلزدگی زناشویی تأثیر دارد؟ بعد از اعمال اصلاح در مدل پیشنهادی، برازش مدل مورد تأیید قرار گرفت. بررسی مسیرهای مستقیم به دلزدگی زناشویی نشان داد که به‌جز مسیر خانواده اصلی به دلزدگی زناشویی و در بین مسیرهای مستقیم به رویدادهای استرس‌زا جز مسیر باورهای ارتباطی به رویدادهای استرس‌زا در سایر مسیرها تأثیر معنی‌دار مورد تأیید قرار گرفت. در ارتباط با مسیرهای غیرمستقیم آسیب‌پذیری‌های بادوام (روان رنجورخویی، خانواده اصلی و باورهای ارتباطی) بر دلزدگی زناشویی از طریق رویدادهای استرس‌زا نتایج نشان داد که نقش میانجی رویدادهای استرس‌زا در ارتباط بین روان رنجورخویی و خانواده اصلی با دلزدگی زناشویی مورد تأیید اما نقش میانجی رویدادهای استرس‌زا در ارتباط بین باورهای ارتباطی با دلزدگی زناشویی مورد تأیید قرار نگرفت.

معنی‌داری مسیر مستقیم روان رنجورخویی با دلزدگی زناشویی با نتایج یافته‌های لاوی و بن-آری (۲۰۰۴)، لارسن و همکاران (۲۰۱۰)، لیندستروم (۲۰۱۳) و نادری، افتخار و آملازاده (۱۳۸۸) همسو است. در واقع از دو منظر می‌توان این ارتباط را توضیح داد: مدل‌های بین‌فردی<sup>۶۱</sup> و مدل‌های درون‌فردی<sup>۶۲</sup>. از دیدگاه مدل‌های بین‌فردی (از جمله کاگلین، هوستون و هاتس<sup>۶۳</sup>، ۲۰۰۰) افراد با نمره بالا در روان‌رنجورخویی با رفتار و هیجان نامناسب خود در ارتباط با دیگران باعث ایجاد رویدادهای منفی بیشتری در زندگی می‌شوند که برکنش زناشویی آن‌ها تأثیر می‌گذارد. از دیدگاه مدل‌های درون‌فردی (از جمله کوته و ماسکوتر<sup>۶۴</sup>، ۱۹۹۸) افراد با نمره بالای روان‌رنجورخویی رضایت کمتری از روابط دارند چراکه به‌طور کلی دیدگاه این افراد به رویدادهای زندگی منفی بوده و رضایت کمتری از زندگی دارند. بسیاری از پژوهشگران بر

<sup>61</sup>. interpersonal models

<sup>62</sup>. intrapersonal models

<sup>63</sup>. Caughlin, Huston, & Houts

<sup>64</sup>. Cote, & Moskowitz

اساس دیدگاه تلفیقی معتقدند که هر دو عامل در دلزدگی زناشویی اهمیت دارند (برادبری و فینچام<sup>۶۵</sup>، ۱۹۸۸).

معنی داری مسیر مستقیم باورهای ارتباطی با دلزدگی زناشویی با نتایج یافته‌های ساین ایجسی و جنکاز<sup>۶۶</sup> (۲۰۰۶)، ریویو و ویزر (۲۰۰۸)، اسماعیل‌پور، خواجه و مهدوی (۱۳۹۲) همسو است. بر اساس نظریه عقلانی- عاطفی- رفتاری الیس، ارتباط بین تفکر غیرمنطقی زوجین و دلزدگی زوجین قابل توضیح می‌باشد. الیس معتقد است که باورهای ارتباطی غیرمنطقی اساس بیولوژیکی قوی‌تری دارند که داشتن این باورهای غیرمنطقی به مشکلات روانی بیشتر و اختلال در روابط زناشویی منجر می‌شود، درحالی‌که باورهای منطقی نقش ویژه‌ای در موفقیت افراد دارد. الیس معتقد است که رها شدن انسان‌های پرانگیزه از دست تحقیر خویشان و خودخوارشماری به عنوان جلوه‌هایی از تفکر غیر منطقی، ممکن است سطح تحمل ناکامی در روابط زناشویی آن‌ها را بالا برده و درنهایت آن‌ها را به سمت موفقیت و پیشرفت سوق دهد (الیس<sup>۶۷</sup>، ۲۰۰۹؛ به نقل از برنارد<sup>۶۸</sup>، ۲۰۰۹). یانگ و لانگ<sup>۶۹</sup> (۲۰۰۷) بر نقش ارتباط منطقی در جلوگیری از بروز دلزدگی زناشویی تأکید کرده و عدم موفقیت در برقراری روابط منطقی را شایع‌ترین مشکلی دانسته‌اند که زوج‌های ناراضی مطرح می‌کنند.

معنی داری میانجی‌گری رویدادهای استرس‌زا در مسیر روان رنجورخویی به دلزدگی زناشویی با نتایج یافته‌های کارنی و برادبری (۱۹۹۵)، پولتون و اندروز (۱۹۹۲) و هامن<sup>۷۰</sup> (۱۹۹۱) همسو است.

ویژگی‌های شخصیتی از جمله روان‌رنجورخویی با زیرموفقه‌های عاطفه منفی، اضطراب و افسردگی بالا با برداشت افراد از شرایط زندگی به صورت استرس‌زا بودن رابطه دارد (مارکو و سولس، ۱۹۹۳) و این می‌تواند باعث افزایش فراوانی حوادث ناسازگار زندگی و تجربه کردن حوادث زندگی استرس‌زاتر شود (پولتون و اندروز، ۱۹۹۲) همچنین عواطف منفی، اضطراب و افسردگی بالا در این افراد باعث می‌شود شرایط استرس‌زای بیشتری را در زندگی ایجاد کنند

65. Fincham

66. Sine Egeci, & Gençöz

67. Ellis

68. Bernard

69. Young, & Long

70. Hammen

هامن، ۱۹۹۱). کارنی و برادبری (۱۹۹۵) معتقد است که حوادث استرس‌زا توانایی و ظرفیت زوجین را برای سازگاری با چالش مواجه می‌سازد که موجب همیشگی شدن این حوادث یا بدتر شدن آن‌ها می‌شود که این نیز به نوبه خود باعث چالشی بیشتر و درهم شکسته شدن توانایی زوجین برای سازگاری و در نتیجه دلزدگی زناشویی می‌شود.

در نهایت هر چند که معنی‌داری میانجی‌گری رویدادهای استرس‌زا در مسیر خانواده اصلی به دلزدگی زناشویی با مدل مفهومی آسیب‌پذیری- استرس و انطباق کارنی و برادبری (۱۹۹۵) همسو است. اما نوع و جهت رابطه خانواده اصلی با رویدادهای استرس‌زا برخلاف پژوهش‌های قبلی (ادلستین، الکساندر، شاور، شاف، کواس، لواس و قودمن<sup>۷۱</sup>، ۲۰۰۴؛ هورش، کوهن- زیراین، این دور و سولومون<sup>۷۲</sup>، ۲۰۱۴) در پژوهش حاضر مثبت می‌باشد یعنی به هر میزان که نمره خانواده اصلی با دو زیر مؤلفه استقلال و صمیمیت بالا باشد میزان رویدادهای استرس‌زای آن‌ها بیشتر شده و دلزدگی زناشویی افزایش می‌یابد. یافته‌های این قسمت از پژوهش را از چندین جنبه می‌توان تبیین کرد.

بوئن (۱۹۸۷)، تمایز یافتگی و استقلال را روی پیوستار فرضی نشان می‌دهد که در یک طرف آن تمایز یافتگی و در طرف دیگر آن هم آمیختگی با دیگران قرار دارد. افراد هم آمیخته به شدت به تأیید و حمایت اطرافیان خود نیاز دارند و رفتارهایشان تحت تأثیر سیستم عاطفی محیط و واکنش اطرافیان شکل می‌گیرد در حالی که افراد با نمره بالا در استقلال و تمایز یافتگی تمایل به تصمیم‌گیری مستقل هستند که همین ویژگی ممکن است با ورود به زندگی مشترک با توجه به دخالت اطرافیان یا تعبیر از همفکری دیگران به دخالت در زندگی مشترک به عنوان یکی از رخدادهای اصلی استرس‌زا در زوجین متقاضی طلاق باعث نمره بالا در استرس گردد. همچنین در این خانواده‌ها تفاوت‌ها و نیازهای شخصی مورد توجه است، ارتباطات روشن و شفاف است آن چنانکه نیازهای هر شخص به تناسب فردیت او ارضاء خواهد شد. هر گاه فرزندان چنین خانواده‌ای وارد زندگی زناشویی می‌شوند و همسر به شیوه تنبیه‌گرایانه، متحجرانه و روش‌هایی که اعضاء را وادار می‌کند بخشی از خود و تجاربشان را انکار کنند با همدیگر تعامل نمایند آشفتگی بروز خواهد کرد. وقتی در فضای خانواده جدید تأکید بر هم‌رنگی بیشتر اعضا باشد داشتن تجربه فردی و استقلال حاصل از خانواده اصلی محکوم شمرده شده، فردیت یافتگی و

<sup>71</sup>. Edelman, Alexander, Shaver, Schaaf, Quas, Lovas, & Goodman

<sup>72</sup>. [Horesh](#), [Cohen-Zrihen](#), [Ein Dor](#), & [Solomon](#)

استقلال به حداقل رسیده و در روان فرد نوعی ناهماهنگی بین خود و تجاربش به وجود آمده و رویدادهای استرس‌زای زندگی را افزایش می‌دهد (بوئن، ۱۹۸۷؛ به نقل از فرح‌بخش، ۱۳۹۰). همچنین نمره بالا در عملکرد خانواده اصلی می‌تواند تحت تأثیر شرایط زندگی کنونی زوجین متقاضی طلاق قرار بگیرد. چرا که شرایط استرس‌زای زندگی کنونی و مشکلات بین فردی و نارضایتی از زندگی کنونی باعث می‌شود در گزارش خود از خانواده اصلی صمیمیت و استقلال بیشتری را گزارش کنند. همچنین این افراد در مراکز مشاوره دادگستری بیش از آن که به حل مشکل تمایل داشته باشند در صدد بزرگ نشان دادن مشکلات و رویدادهای استرس‌زای زندگی فعلی و تیره کردن خود و خانواده و نشان دادن چهره مثبت از خود و خانوادشان (عملکرد خانواده اصلی بالا) هستند. از این رو رابطه مثبت بین خانواده اصلی و رویدادهای استرس‌زا نیاز به بررسی و پژوهش‌های دیگر یا پرسشنامه‌های غیرمستقیم و مصاحبه است.

یافته‌های پژوهش حاضر از دو جنبه نظری و عملی می‌تواند مفید باشد. در سطح نظری با بررسی تأثیر مستقیم و غیرمستقیم آسیب‌پذیری‌های دوران اولیه زندگی و رویدادهای استرس‌زا بر دلزدگی زناشویی به بدنه پژوهشی و دانش موجود در زمینه شناسایی عوامل مؤثر بر چگونگی و چرایی بهبود، افول و تغییرات زندگی مشترک در طول زمان و شروع دلزدگی کمک می‌کند. و در سطح عملی نتایج این پژوهش می‌تواند کمک بزرگی در پیشگیری و کنترل آسیب اجتماعی طلاق و افزایش کیفیت زندگی زوجین باشد. با توجه به یافته‌های این پژوهش مشخص می‌شود که در فرایند زوج‌درمانی یا خانواده‌درمانی آسیب‌پذیری‌های اولیه زوجین مورد ارزیابی قرار بگیرد تا در صورت لزوم مداخلاتی در این زمینه صورت بگیرد. همچنین نتایج پژوهش می‌تواند در مشاوره پیش از ازدواج مدنظر قرار گرفته و در پیش‌بینی کیفیت زندگی زوجین با توجه به رویدادهای استرس‌زای احتمالی و آسیب‌پذیری‌های اولیه زندگی توصیه‌ها و اقدامات پیشگیرانه صورت بگیرد.

جمع‌آوری داده‌ها بر اساس مقیاس‌های خودگزارش‌دهی، زیاد بودن تعداد سوالات پرسشنامه‌های پژوهشی به دلیل متغیرهای زیاد پژوهشی و مکان پاسخگویی به پرسشنامه با توجه به استرس و اضطراب ناشی از طلاق و محیط دادگستری و محدود بودن نمونه پژوهشی به افراد متقاضی طلاق با تحصیلات بیشتر از دبیرستان از محدودیت‌های این پژوهش می‌باشد. همچنین

آسیب‌پذیری های با دوام و دلزدگی زناشویی در بین..... فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده

پژوهش حاضر بر روی زوجین متقاضی طلاق شهرستان اردبیل با تحصیلات بالاتر از دبیرستان انجام گرفته است و تعمیم آن با افراد سایر گروه‌ها باید با احتیاط انجام گیرد. پیشنهاد می‌شود جهت افزایش گستره تعمیم‌پذیری یافته‌های این پژوهش، پژوهش‌های مشابهی بر روی گروه‌های دیگری از جمله متقاضیان طلاق با تحصیلات پایین‌تر و زوجین غیر متقاضی طلاق با پرسشنامه‌های کوتاه‌تر بررسی شود.

### سپاس و قدردانی

در نهایت بدین وسیله از همکاری تمامی مسئولان و مشاوران معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم و دادگاه خانواده دادگستری شهرستان اردبیل و همچنین از تمامی زوج‌های گرانقدری که ما را در این پژوهش یاری نمودند، کمال تشکر و قدردانی را داریم.



## منابع:

اسماعیل‌پور، خلیل؛ خواجه، وجیهه؛ مهدوی، نفیسه (۱۳۹۲). پیش‌بینی رضایت زناشویی همسران بر اساس باورهای ارتباطی و مهارت‌های ارتباطی. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۹(۳۳): ۳۰-۴۴.

بخارایی، احمد (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی زندگی‌های خاموش در ایران (طلاق عاطفی). تهران: پژوهش‌های جامعه.

پاینز، آیالامالاج (۱۹۹۶). چه کنیم تا عشق رویایی به دلزدگی نینجامد. ترجمه‌ی فاطمه شاداب (۱۳۸۱). تهران: انتشارات ققنوس.

ثنائی، باقر؛ علاقبند، ستیلا؛ فلاحتی، شهره؛ هومن، عباس (۱۳۸۷). مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج. تهران: موسسه انتشارات بعثت.

جاسبی، منیژه (۱۳۸۴). رابطه بین سطح سلامت خانواده اصلی و رضایت زناشویی زنان دبیر آموزش پرورش شهرستان کرج. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه خاتم الانبیاء. حیدری، محمود؛ مظاهری، محمدعلی؛ پوراعتماد، حمیدرضا (۱۳۸۴). رابطه باورهای ارتباطی با احساسات مثبت نسبت به همسر. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۱۱(۲): ۱۳۰-۱۲۱.

زارعی محمودآبادی، حسن (۱۳۹۱). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی به عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های میل به طلاق در زوج‌های عادی و متقاضی طلاق شهر یزد. فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۲(۴): ۵۷۱-۵۵۴.

سازمان ثبت‌احوال کشور (۱۳۹۴). <http://www.sabteahval.ir>

شولی‌بندر ریگی‌زاده، سمیه؛ بشلیده، کیومرث؛ هاشمی‌شیخ‌شبان، سید اسماعیل؛ ارشدی، نسرین (۱۳۹۰). بررسی رابطه‌ی روان‌رنجورخویی، تعارض کار-خانواده، گرانباری نقش، عدالت رویه‌ای، عدالت توزیعی و کنترل شغلی با فرسودگی شغلی در کارکنان شرکت گاز اهواز. مجله دست‌آوردهای روانشناختی (علوم تربیتی و روان‌شناسی)، ۴(۱): ۷۲-۴۷.

عارفی، مختار؛ محسن‌زاده، فرشاد (۱۳۹۱). پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس ارتباط و صمیمیت جنسی. فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۱، ۵۲-۴۳.

آسیب‌پذیری های با دوام و دلزدگی زناشویی در بین..... فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده

عبدالله‌زاده، بیانه (۱۳۸۶). مقایسه بین عوامل شخصیتی، سبک‌های حل‌مساله و میزان استرس تجربه‌شده میان افراد وابسته به مواد و افراد بهنجار. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه تبریز.

فرحبخش (۱۳۹۰). همبستگی بین ویژگی‌های ادراک‌شده خانواده‌اصلی و فعلی و رابطه آن با تعارض زناشویی. فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی، ۲(۶): ۶۰-۳۵.

فرمانی شهرضا، شیوا؛ رسولی، محسن؛ قائدنیای جهرمی، علی (۱۳۹۱). رابطه بین صمیمیت زناشویی، الگوهای ارتباط زناشویی و همدم‌طلبی - دوری‌گزینی کارکنان متاهل دانشگاه خوارزمی. فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۴(۳): ۵۴۷-۵۷۲.

گروسی فرشی، میرتقی (۱۳۸۰). رویکردهای نوین در ارزیابی شخصیت. تبریز: نشر جامعه پژوه.

محمدی، شهناز؛ مقصودی، منیژه (۱۳۹۰). بررسی رابطه استرس شغلی با رضایت زناشویی در کارکنان زن. فصلنامه مشاوره شغلی و سازمانی، ۳(۹): ۸۷-۷۴.

مظاهری، محمدعلی؛ پوراعتماد، حمیدرضا (۱۳۸۰). مقیاس باورهای ارتباطی. چاپ نشده، پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی.

مومن‌زاده، فرید (۱۳۸۱). ارتباط تفکرات غیرمنطقی و الگوهای وابستگی با سازگاری زناشویی. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید بهشتی.

مهاجرانی، علی اصغر. (۱۳۸۹). تحول وضع زناشویی و تغییر الگوی سنی ازدواج در ایران. فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد واحد شوشتر، ۴(۱۱): ۵۳-۴۱.

نادری، فرح؛ افتخار، زهرا؛ آملازاده، صغری. (۱۳۸۸). رابطه ویژگی‌های شخصیتی و روابط صمیمی همسر با دلزدگی زناشویی در همسران معتادان مرد اهواز. فصلنامه یافته‌های نو در روانشناسی، ۴(۱۱): ۶۱-۷۸.

نظری، علی محمد؛ طاهری راد، محسن؛ اسدی، مسعود (۱۳۹۲). تاثیر برنامه غنی‌سازی ارتباط بر سازگاری زناشویی زوج‌ها. فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۳(۴): ۵۴۲-۵۲۷.

آسیب‌پذیری های با دوام و دلزدگی زناشویی در بین..... فصلنامه مشاوره و روان‌دانی خانواده

نعیم، سامیه. (۱۳۸۷). رابطه بین دلزدگی زناشویی، روابط صمیمی با همسر و تعارضات زناشویی با خشونت علیه زنان شهر ایالم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.

هومن، حیدر علی. (۱۳۸۴). مدل یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم افزار لیزرل. تهران، انتشارات سمت.

Barton, A. (2013). Investigating how external stress does (and does not) impact marital functioning and outcomes: Mechanisms of influence and protective couple processes. A Dissertation Submitted to the Graduate Faculty of The University of Georgia in Partial.

Bernard, M. E. (2009). Dispute Irrational Beliefs and Teach Rational Beliefs: An Interview with Albert Ellis. *Journal of Rational-Emotive and Cognitive-Behavior Therapy*, 27(1), 66-76.

Bodenmann, G. (2000). Stress und Coping bei Paaren. [Stress and coping in couples]. Göttinge [Germany]: Hogrefe.

Bowen, M. (1978). Family therapy in clinical practice. New York: Jason Aronson.

Bradbury, T. N., & Fincham, F. D. (1988). Individual difference variables in close relationships: A contextual model of marriage as an integrative framework. *Journal of Personality and Social Psychology*, 54, 713-721.

Buss, D. M. (1991). Conflict in married couples: Personality predictors of anger and upset. *Journal of Personality*, 59(4), 663-703.

Byers, E. S. (2005). Relationship satisfaction and sexual satisfaction: A longitudinal study of individuals in long-term relationships. *The Journal of Sex Research*, 42, 113° 118.

Caughlin, J. P., Huston, T. L., & Houts, R. M. (2000). How does personality matter in marriage? An examination of trait anxiety, interpersonal negativity, and marital satisfaction. *Journal of Personality and Social Psychology*, 78, 326° 336.

Cohan, C. L., & Bradbury, T. N. (1997). Negative life events, marital interaction, and the longitudinal course of newlywed marriage. *Journal of Personality & Social Psychology*, 73, 114-128.

Cote´, S., Moskowitz, D. S. (1998). On the dynamic covariation between interpersonal behavior and affect: Prediction from



- Neuroticism, extraversion, and agreeableness. *Journal of Personality and Social Psychology*, 75, 1032° 1046.
- Edelson, R. S ., Epstein, N.o. (1982). Cognition and relationship maladjustment development of a measure of dysfunctional relationship beliefs, *Journal of conseling and clinical psychology*. 50, 715-720.
- Edelstein, R.S., Alexander, E.W., Shaver, P.R., Schaaf, J.M., Quas, J.A., Lovas, G.S., & Goodman, G.S. (2004). Adult attachment style and parental responsiveness during a stressful event. *Attachment & Human Development*, 6(1), 31° 52.
- Feeney, J. A. (1999). Adult romantic attachment and couple relationships. In J. Cassidy & P. R. shaver (Eds.), *Handbook of attachment theory, research, and clinical application*. (pp: 355-377) NewYork: Guilford press.
- Geist, R. L., & Gilbert, D. G. (1996). Correlated of expressed and felt emotion during marital conflict: Satisfaction, personality, process, and outcome. *Personality and Individual Differences*, 21(1), 49-60.
- Hamamci, Z. (2005). Dysfunctional Relationship Beliefs in Marital Conflict. *Journal of Rational-Emotive and Cognitive-Behavioral Therapy*, 23, 245-161.
- Hammen C. (1991). Generation of stress in the course of unipolar depression. *Journal Abnormal Psychoogicall*. 100(4), 555-61.
- Hembrecht, M. (2009). The role of dysfunctional relationship beliefs in relationship satisfaction A comparison of singles with satisfied and less satisfied coupled people in their endorsement of irrational and anxious relationship beliefs. Master thesis, Faculty of Social and Behavioural Theses, University of Utrecht.
- Horesh, D., Cohen-Zrihen, A., Ein Dor,T., Solomon, Z. (2014). Stressful Life Events Across the Life Span and Insecure Attachment Following Combat Trauma. *Clinical Social Work Journal*, 42(4), 375-384.
- Hovestadt, A. J., Anderson, W. T., Piercy, F. P., Cochran, S. W., & Fine, M. (1985). A family-of-origin scale. *Journal of Marital and Family Therapy*, 11, 287-297.
- Karney, B. R., Bradbury, T. N. (1995). The longitudinal course of marital quality and stability: A review of theory, methods, and research. *Psychological Bulletin*, 118(1), 3-34.

- Karney, B. R., Bradbury, T. N. (1997). Neuroticism, marital interaction, and the trajectory of marital satisfaction. *Journal of Personality and Social Psychology*, 72, 1075° 1092.
- Karney, B. R., Store, L. B., & Bradbury, T. N. (2005). Marriages in context: Interactions between chronic and acute stress among newlyweds. In T. A. Revenson, K. Kayser, & G. Bodenmann (Eds.), *Couples coping with stress. Emerging perspectives on dyadic coping* (pp. 13-32). Washington, DC: American Psychological Association.
- Kurdek, L. A. (1997). Relation between neuroticism and dimensions of relationship commitment: Evidence from gay, lesbian, and heterosexual couples. *Journal of Family Psychology*, 11(1), 109-124.
- Larsen, J. H., Blick, R.W., Jackson, J. B., & Holman, T. B. (2010). Partner traits that predict relationship satisfaction for neurotic individuals in premarital relationships. *Journal of Sex & Marital Therapy*, 36, 430-444.
- Lavee, Y., & Ben-Ari, A. (2004). Emotional expressiveness and neuroticism: Do they predict marital quality? *Journal of Family Psychology*, 18(4), 620-627.
- Lindstrom, R. A. (2013). Cyclicity and the relationship between neuroticism, communication, and relationship satisfaction in cohabiting couples. a thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree.
- Marco, C. A., Suls, J. (1993). Daily stress and the trajectory of mood: spillover, response assimilation, contrast, and chronic negative affectivity. *Journal Personality Social Psychology*, 64(6), 1053-63.
- Miller, M.A., & Rahe, R.H. (1997). Life changes scaling for the 1990s. *Journal of Psychosomatic Research*, 43, 279° 292.
- O'leary, K.D. (1987). *Assessment of marital discord*. USA: Lawrence Erlbaum Associates inc.
- James, S., Huntly, J., Hemsworth, D. (2002). Factor structure of relationship belief inventory. *Cognitive Therapy and Research*, 26, 729-755.
- Poulton, R. G., Andrews, G. (1992). Personality as a cause of adverse life events. *Acta Psychiatr Scand*, 85(1), 35-8.

- Riggio H., & Weiser, D. (2008). Attitude toward Marriage: Embeddedness and Outcomes in Personal Relationships. *Personal relationships*, 15, 123-140.
- Robins, R. W., Caspi, A., & Moffitt, T. E. (2000). Two personalities, one relationship: Both partners' personality traits shape the quality of their relationship. *Journal of Personality and Social Psychology*, 79(2), 251-259.
- Sine Egeci, I., & Gençöz, T. (2006). Factors Associated with Relationship Satisfaction: Importance of Communication Skills. *Contemporary Family Therapy*, 28, 383-391.
- Sprecher, S., & Cate, R. M. (2004). Sexual satisfaction and sexual expression as predictors of relationship satisfaction and stability. In J. H. Harvey, A. Wenzel, & S. Sprecher (Eds.), *The handbook of sexuality in close relationships* (pp. 235° 256). Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
- Stith, S.M., Amanor-Boadu, Y., Miller, M.S., Menhusen, E., Morgan, C., Few-Demo, A. (2011). Vulnerabilities, Stressors, and Adaptations in Situationally Violent Relationships. *Family Relations*. 60:73° 89.
- Whitton, S. W., Waldinger, R. J., Schulz, M. S., Allen, J. P., Crowell, J. A., Hauser, S. T. (2008). Prospective associations from family-of-origin interactions to adult marital interactions and relationship adjustment. *Journal of Family Psychology*, 22 (2), 274-286.
- Young, M. E., Long, L. L. (2007). *Counseling and therapy for couples*. CA: Brooks/Cole.
- Conger, R. D., Rueter, M. A., & Elder, G. H., Jr. (1999). Couple resilience to economic pressure. *Journal of Personality and Social Psychology*, 76, 54° 71.
- Zwicker, A. E. (2013). *Understanding divorce in the context of stepfamilies*. A thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of doctor of philosophy In the faculty of graduate studies (psychology) the university of British Columbia (Vancouver).